

## سبک‌های اسنادی و سبک‌های یادگیری همگرا- واگرا

### در دانشجویان افسرده و عادی

## Attribution styles and converging-diverging learning styles in depressed and non-depressed students

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۱۱

Ghasemi N. PhD<sup>✉</sup>, Fathi-Ashtiani A. PhD,  
Raeesi F. MSc

نظام‌الدین قاسمی<sup>✉</sup>، علی فتحی آشتیانی<sup>۱</sup>،  
فاطمه رئیسی<sup>۱</sup>

### Abstract

**Introduction:** This study was to compare attribution styles and converging-diverging learning styles in depressed and non-depressed students.

**Method:** It is a casual comparative study through which 170 university students selected by convenience sampling. The participants evaluated by Kolb's learning style inventory (LSI) and attribution style questionnaire (ASQ) for both positive and negative events. Using Beck's depressed inventory (BDI), the participants divided into two groups of depressed (n=45) and non-depressed (n=125). The collected data analyzed by Chi-square test and Mann-Whitney U.

**Results:** Depressed students, in comparison to non-depressed students, used less internal and stable attribution styles in positive events and there was no significant difference between the two groups in using global-specific attribution styles in positive events. However, depressed students, compared to non-depressed students, used more internal attribution style in negative events and there was no significant difference between groups in other aspects of attribution styles. Moreover, no significant difference found between the two groups in using diverging-converging learning styles. Also, in negative events, those who had converging learning style didn't use more pessimistic attribution styles in comparison with those who had diverging learning style.

**Conclusion:** With a better understanding of both attribution and learning styles of students as two important cognitive variables, we can take a step toward recognizing cognitive vulnerability of mood disorder.

**Keywords:** Attribution Styles, Converging-Diverging Learning Styles, Depression

### چکیده

**مقدمه:** تحقیق حاضر با هدف مقایسه سبک‌های اسنادی و سبک‌های یادگیری همگرا- واگرا در دانشجویان افسرده و عادی انجام شد.

**روش:** این پژوهش از نوع علی- مقایسه‌ای است که با نمونه‌گیری در دسترس، سبک یادگیری و سبک اسنادی ۱۷۰ دانشجو در مقطع کارشناسی را به کمک پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری کلب (LSI) و پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی (ASQ) برای وقایع خوشایند و ناخوشایند سنجید. افراد به کمک پرسش‌نامه افسردگی بک به دو گروه افسرده (۴۵ نفر) و عادی (۱۲۵ نفر) تقسیم شدند. داده‌های به‌دست‌آمده با آزمون من- ویتنی و مجذورکای تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** دانشجویان افسرده در مقایسه با دانشجویان عادی، در موقعیت‌های مثبت از اسناد درونی و پایدار کمتری استفاده کردند و بین دو گروه از لحاظ سبک اسنادی کلی- اختصاصی در موقعیت مثبت تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. در صورتی‌که در موقعیت منفی، دانشجویان افسرده در مقایسه با دانشجویان عادی از اسناد درونی بیشتری استفاده کردند و در سایر ابعاد اسنادی تفاوتی با هم نداشتند. به‌علاوه، بین گروه افسرده و غیرافسرده در استفاده از سبک یادگیری (همگرا- واگرا) تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین افراد دارای سبک یادگیری همگرا در مقایسه با افراد دارای سبک یادگیری واگرا، در موقعیت‌های منفی از اسنادهای بدبینانه بیشتری استفاده نکردند.

**نتیجه‌گیری:** شناخت سبک اسنادی و الگوی یادگیری افراد می‌تواند به‌عنوان دو متغیر مهم شناختی در فهم آسیب‌پذیری شناختی اختلالات هیجانی نقش مهمی ایفا کند.

**کلیدواژه‌ها:** سبک اسنادی، سبک یادگیری همگرا- واگرا، افسردگی

<sup>✉</sup> **Corresponding Author:** Faculty of Clinical Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran  
Email: nezamghasemi@yahoo.com

<sup>✉</sup> دانشکده روان‌شناسی بالینی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
<sup>۱</sup> گروه روان‌شناسی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج)، تهران، ایران

## مقدمه

بارمیر، معتقد است یادگیری محصول نیست بلکه فرآیند است. یادگیری از تجربه، ادراک، شناخت و رفتار انسان تشکیل شده و به طور عمومی به فرآیند سازگاری انسان‌ها اشاره دارد و محدود به کلاس نمی‌شود. هر فردی براساس باورها، رجحان‌ها و علاقمندی‌های خاص خود، سبکی را برای یادگیری‌های جدید به کار می‌برد [۱]. سبک‌های یادگیری به راهکارهای شناختی افراد گفته می‌شود که در طول فرآیند اجتماعی شدن شکل گرفته و متناسب با سن، جنس و فرهنگ در افراد مختلف متفاوت عمل می‌کنند [۲ و ۳]. این متغیر، ترکیبی از خصیصه‌های شناختی، عاطفی و عوامل روان‌شناختی است که به عنوان شاخصی جهت فهم چگونگی یادگیری افراد و نحوه دریافت، پردازش و استفاده از اطلاعات در حل مسایل به کار می‌رود [۴]. این تمایل ذاتی برای یادگیری، با تحول فرد همراه است و با تجربه شروع، با تفکر و اندیشه ادامه یافته و به فعالیت و رفتار ختم می‌شود و به شدت تحت تاثیر آموزش، تربیت، محیط و فرهنگ قرار دارد [۵]. این ویژگی، همراه با رشد فرد به تدریج به صورت ویژگی پایدار شخصیت او درآمده و سبب تفاوت‌های فردی در حوزه‌های شناختی، اجتماعی، روابط بین‌فردی، یادگیری، کسب مهارت و مفاهیم جدید و در کل پاسخ‌دهی به رویدادهای زندگی می‌شود [۶]. این مفهوم روان‌شناختی، بر جنبه‌های درونی شخصیت تمرکز یافته و باعث تفاوت در مدل فهمیدن و پردازش اطلاعات می‌شود. چنان‌که بسیاری از افراد در یادگیری‌های خود از توانایی‌های بین‌فردی و فضای مشارکتی بهره می‌گیرند و برخی دیگر، یادگیری به صورت انفرادی را ترجیح می‌دهند [۷]. تفاوت در سبک‌های یادگیری باعث تفاوت در سبک‌های رهبری در بین افراد نیز می‌شود [۸، ۹].

یکی از سبک‌های یادگیری، الگوی یادگیری تجربی (ELT) دیوید کلب با نام سبک یادگیری شناختی است. کلب این نظریه را با ترکیبی از پراگماتیسم دیویی، روان‌شناسی مدرسه‌لویین، تحول‌شناختی پیاژه، روان‌درمانی مراجع‌محوری راجرز، انسان‌گرایی مازلو، روان‌شناسی گشتالت و با تاکید بر دو ویژگی کلی‌نگر و بین‌رشته‌ای بودن ارایه کرد [۱۰]. در این الگو، یادگیری، چرخه‌ای چهار مرحله‌ای تصور شده که به ترتیب شامل تجربه عینی (CE)، مشاهده تاملی (RO)، آزمایشگری فعال (AE) و مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) است. با توجه به الگوی یادگیری فوق، دو بُعد و چهار شیوه معرفی شده است. بعد اول شامل دو شیوه RO در مقابل AE و بعد دوم دو شیوه CE در مقابل AC است که با ترکیب آنها، چهار شیوه یادگیری واگرا، همگرا، جذب‌کننده و انطباق‌دهنده شکل می‌گیرد. قابلیت افراد در هر کدام از این شیوه‌های یادگیری متفاوت است. افراد همگرا، در یافتن موارد استفاده عملی برای اندیشه‌ها و نظریه‌ها خود کارآمدتر، اهل استدلال فرضیه‌ای و قیاسی، غیرهیجانی و علایق محدودی دارند. برعکس افراد واگرا، در تخیل و تولید اندیشه و دیدن امور از

زوایای مختلف قوی هستند و دامنه یادگیری و استدلال قوی دارند، این افراد دارای تفکر جذب‌کننده بوده و در استدلال استقرایی قوی هستند؛ همچنین جذب علوم پایه و ریاضیات می‌شوند و برخلاف انطباق‌دهنده‌ها، مسائل را به‌طور شهودی حل می‌کنند و برای کسب اطلاعات اغلب به دیگران متکی هستند [۱۱].

در این میان، یکی از مفاهیمی که با روان‌شناسی تربیتی، یادگیری اجتماعی و شخصیت ارتباط پیدا می‌کند مبحث سبک‌های انسانی است. سبک انسانی به‌عنوان بازتابی از سیستم شناختی-عاطفی شخصیت بوده و با مدل ۵ عاملی پوریت "شخصیت با تحول فرد شکل می‌گیرد" [۱۲]. در ارتباط است. هایدلر، برای اولین بار پایه‌های تئوری انسانی را ارایه کرد و علل را به خود افراد (درونی) و عوامل محیطی (بیرونی) تقسیم کرد. واینر، با حمایت از بُعد درونی-بیرونی، بُعد ثبات را در مورد درجه ثبات زمانی از علت‌ها و مولفه سوم را با عنوان قابلیت کنترل به نظریه هایدلر اضافه کرد و در نهایت *آبرامسون*، *سلیگمن* و *تیزدل* الگوی تبیینی افراد برای رویدادهای مثبت و منفی را در سه بُعد درونی-بیرونی، کلی-اختصاصی، پایدار-ناپایدار تقسیم‌بندی کردند. *هویت*، *فوکس رنت* و *مک دونالد* معتقدند که سبک انسانی می‌تواند جهت‌دهنده رفتار و حالت‌های عاطفی و هیجانی افراد باشد و با حوزه‌های گسترده‌ای از اختلالات روانی نظیر افسردگی، عملکرد در ورزش، سلامت جسمانی، عملکرد در تحصیل و شغل همراه است [۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶].

*سلیگمن* و همکاران با استفاده از سبک انسانی در الگوی تجدید نظر شده درماندگی آموخته شده برای تبیین افسردگی، معتقدند که اسنادها در دو بعد خوش‌بینانه (درونی، پایدار و اختصاصی برای رویدادهای مثبت و کلی، ناپایدار و بیرونی برای رویدادهای منفی) و بدبینانه (درونی، پایدار و اختصاصی برای رویدادهای منفی و کلی، ناپایدار و بیرونی برای رویدادهای مثبت) قرار می‌گیرند و معتقدند که برای وقوع افسردگی، چهار اصل زیر لازم است:

۱- انتظار (متغیر شناختی) وقوع حوادث بسیار ناگوار در آینده

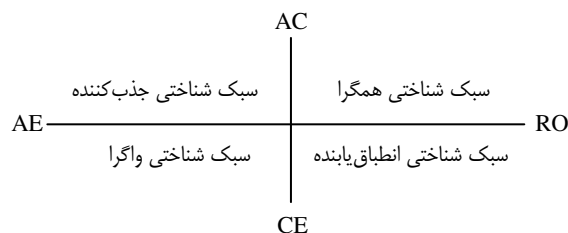
۲- ناتوانی در کنترل نتایج مرتبط با این حوادث

۳- برخورداری از یک سبک اسناد بدبینانه

۴- میزان اطمینان درباره حالت ناگوار مورد انتظار و غیرقابل کنترل که هرچه بیشتر باشد نارسایی شناختی، انگیزشی آن نیرومندتر و احتمال اختلالات عاطفی خصوصاً افسردگی و کاهش عزت نفس زیاد می‌شود

بنابراین با توجه به نقش مهم سبک اسناد به‌عنوان یک متغیر شناختی در برخورد با شکست‌ها و موفقیت‌های زندگی و با توجه به سبک‌های یادگیری متفاوت افراد در پردازش تجربه‌های زندگی روزمره، این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک انسانی و سبک یادگیری همگرا-واگرا در بین دانشجویان افسرده و عادی انجام گرفت. پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد: آیا اسناددهی دانشجویان افسرده در مقایسه با دانشجویان غیرافسرده

یعنی تفریق مفهوم‌سازی انتزاعی از تجربه عینی و آزمایشگری فعال از مشاهده تاملی، دو نمره به‌دست می‌آید که AC-CE (تجربه عینی- مفهوم‌سازی انتزاعی) بر روی محور عمودی و AE-RO (مشاهده تاملی- آزمایشگری فعال) بر روی محور افقی مختصات قرار می‌گیرند. این دو محور مختصات، چهار ربع یک مربع را تشکیل می‌دهند که هر ربع، نوع سبک یادگیری فرد را نشان می‌دهد و سبک واگرا، سبک همگرا، سبک جذب‌کننده و سبک انطباق‌دهنده نامیده می‌شوند.



نمودار (۱) محور مختصات نشان‌دهنده سبک‌های شناختی کلب

- ۱- اگر نمره فردی در AC-CE منفی و در AE-RO مثبت باشد (یعنی نمره فرد در ربع چهارم محور مختصات قرار گیرد) سبک شناختی فرد، انطباق‌یابنده است.
  - ۲- اگر نمره فردی در AC-CE مثبت و در AE-RO نیز مثبت باشد (یعنی نمره فرد در ربع اول محور مختصات قرار گیرد) سبک شناختی فرد، همگرا است.
  - ۳- اگر نمره فردی در AC-CE منفی و در AE-RO نیز منفی باشد (یعنی نمره فرد در ربع سوم قرار گیرد) سبک شناختی فرد، واگرا است.
  - ۴- اگر نمره فردی در AC-CE مثبت و در AE-RO منفی باشد (یعنی نمره فرد در ربع دوم محور مختصات قرار گیرد) سبک شناختی فرد، جذب‌کننده است.
- اگر نمره فرد نزدیک محور مختصات باشد سبک یادگیری فرد، متعادل است یعنی به هر چهار سبک به‌طور مساوی گرایش دارد اما اگر نمره فرد در چهار گوشه محور مختصات باشد، سبک یادگیری فرد به سبکی خاص گرایش دارد. این ابزار، در پژوهش‌های متعددی استفاده شده و روایی و اعتبار مناسبی دارد. کیز [۱۸] با اجرا بر روی ۲۲۱ نفر، آلفای کرونباخ ۰/۷۷ تا ۰/۸۲ را برای هر چهار زیرمقیاس (AC-CE آلفای کرونباخ ۰/۷۷، AE-RO آلفای کرونباخ ۰/۴۰) و همچنین همبستگی ۰/۱۸ تا ۰/۴۸ در بین چهار زیرمقیاس به‌دست آورد. کلب، ضریب اعتبار پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری را با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ و با روش دونیمه کردن ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ گزارش کرد. یارمحمدی با اجرا بر روی ۳۸۶ دانشجوی زن و مرد، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برای CE، ۰/۷۱ برای RO، ۰/۶۸ برای AC و ۰/۷۲ برای AE به‌دست آورد [۱۹].

برای رویدادهای مثبت و منفی متفاوت است؟ و آیا بین دانشجویان افسرده و غیرافسرده از لحاظ سبک یادگیری همگرا- واگرا تفاوت وجود دارد؟ و همچنین آیا دانشجویان دارای سبک یادگیری همگرا در مقایسه با دانشجویان دارای سبک یادگیری واگرا از اسنادهای بدبینانه (درونی، پایدار یا اختصاصی برای موقعیت منفی) بیشتری استفاده می‌کنند؟

## روش

پژوهش حاضر از نوع علی- مقایسه‌ای است که جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال تشکیل می‌دهند. براساس جدول کرسی و مورگان، از میان این دانشجویان ۳۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس بررسی و پس از حذف موارد ناقص، ۴۵ دانشجو به‌عنوان دانشجوی افسرده و ۱۲۵ دانشجو به‌عنوان دانشجوی غیرافسرده انتخاب شدند.

### ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه افسردگی بک: پرسش‌نامه افسردگی بک (BDI) به‌عنوان مناسب‌ترین ابزار برای انعکاس حالات افسردگی در افراد، انتخاب شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۱ ماده است که علائم افسردگی را اندازه‌گیری می‌کنند. هر ماده دارای ۴ گزینه است که بر مبنای ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود و درجات مختلفی از افسردگی را می‌سنجد. حداکثر نمره در این پرسش‌نامه ۶۳ و حداقل صفر است. بک، همسانی درونی ۰/۹۳ و روایی آزمون بازآزمون را بعد از یک هفته ۰/۹۳ گزارش کرد. همچنین در تحقیق دیگری ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به‌دست آمد [۱۶].

براساس بررسی‌های میلر و سلیگمن، ضریب همبستگی نمرات هر بخش با نمره کل آزمون ۰/۳۱ تا ۰/۶۱ می‌باشد. در تحقیقی که توسط بک، استر و براون در بین دانشجویان صورت گرفت، ضریب آلفای ۰/۸۰ برای اعتبار آن گزارش شد. بک و براون برای به‌دست آوردن روایی همگرا و روایی سازه، این پرسش‌نامه را روی ۱۹۱ بیمار افسرده بستری در بیمارستان اجرا کردند و ضریب ۰/۹۳ را به‌دست آوردند. میلر و سلیگمن، ضریب اعتبار با روش دونیمه کردن را با تصحیح اسپیرمن- براون ۰/۹۳ و اعتبار بازآزمایی را ۰/۷۵ به‌دست آوردند. تشکری، یارفوت و مهریار در ایران، ضریب اعتبار ۰/۷۸ را در بین دانشجویان به‌دست آوردند [۱۷].

پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری کلب LSI: این پرسش‌نامه دارای ۱۲ جمله و هر جمله شامل چهار قسمت با نام‌های تجربه عینی (CE)، مشاهده تاملی (RO)، مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) و آزمایشگری فعال (AE) است. هدف این پرسش‌نامه شرح نحوه یادگیری فراگیر است. براساس چهار قسمت پرسش‌نامه، چهار نمره به‌دست می‌آید که این چهار نمره نشانگر چهار شیوه یادگیری است که سبک یادگیری و تفکر فرد را مشخص می‌کند و هیچ‌کدام بردیگری ارجحیت ندارند. از تفریق دوه‌دوی این شیوه‌ها،

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS 14 و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون غیرپارامتریک من-ویتنی و مجذور کای انجام شد.

### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نمونه مورد بررسی در جداول ۱ و ۲ آمده است. افراد مورد مطالعه ۱۷۰ دانشجو بودند که به دو گروه غیرافسرده (۱۲۵ نفر) و افسرده (۴۵ نفر) تقسیم شدند.

جدول ۱) توزیع گروه‌های مورد بررسی برحسب سن، نمره آزمون بک و سبک‌های یادگیری

گروه‌ها	فراوانی	سن		آزمون بک					
		میانگین	انحراف معیار	همگرا	واگرا	جذب‌کننده	انطباق		
عادی	۱۲۵	۲۳/۹۵	۲/۵۶	۷/۱۱	۷۵/۵	۴۲	۲۴	۴۸	۱۱
افسرده	۴۵	۲۲/۰۷	۲/۱۱	۲۴/۲۸	۴۶/۴	۹	۱۳	۱۷	۶
مجموع	۱۷۰	۲۳/۴۵	۲/۴۴	۶۰/۱۵	۶۱/۹	۵۱	۳۷	۶۵	۱۷

جدول ۲) نتایج افسردگی و سبک‌های اسنادی در گروه‌های مورد مطالعه

گروه‌ها	شاخص آماری	نمره افسردگی	سبک‌های اسنادی	
			موقعیت مثبت	موقعیت منفی
عادی	میانگین	۱۱/۰۷	۵/۲۲	۴/۲۵
			۵/۱۹	۴/۲۵
افسرده	میانگین	۲۸/۱۸	۱/۴۱	۴/۷۸
			۱/۲۶	۴/۴۸
جمع	میانگین	۱۵/۶۰	۵/۰۳	۴/۳۹
			۱/۱۸	۴/۳۱
عادی	انحراف معیار	۵/۷۵	۱/۲۸	۱/۲۲
			۱/۱۰	۱/۱۷
افسرده	انحراف معیار	۶/۴۶	۱/۴۱	۱/۱۰
			۱/۲۶	۱/۱۱
جمع	انحراف معیار	۹/۶۱	۱/۳۴	۱/۲۱
			۱/۱۸	۱/۱۶

میانگین سن کل نمونه ۲۳/۴۵ و انحراف معیار آن ۲/۴۴ است. میانگین نمره آزمون بک برای گروه افسرده ۲۴/۲۸ و برای گروه غیرافسرده ۷/۱۱ به‌دست آمد و تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از نظر سن مشاهده نشد. در ضمن، در جداول ۱ و ۲ فراوانی سبک‌های یادگیری در هر چهار زیرمقیاس و میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه برای موقعیت‌های مثبت و منفی آمده است.

پرسش‌نامه سبک اسناد (ASQ): این پرسش‌نامه توسط سلگمن و همکاران به‌دنبال تجدیدنظر در نظریه درماندگی آموخته شده تهیه شد که اسنادهای علی افراد را برای پیامدهای مثبت و منفی در طول ابعاد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- اختصاصی (متناسب با اهمیتی که افراد به آن پیامدها می‌دهند) اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه دارای دوازده موقعیت فرضی است که شش موقعیت دربرگیرنده پیامدهای مثبت و شش موقعیت دربرگیرنده پیامدهای منفی است. این موقعیت‌ها شامل موارد مهم زندگی فرد از قبیل شکست یا موفقیت در شغل، ازدواج، روابط با دیگران و ... است. پس از ارایه پرسش‌نامه به آزمودنی، از او خواسته شد تا تصور کند که هریک از موقعیت‌ها برای او اتفاق افتاده است و خود را در آن شرایط فرض کند و به سوالات در مورد هر یک از موقعیت‌ها پاسخ دهد. سپس از آزمودنی‌ها خواسته شد که برای هر یک از دوازده رویداد فرضی، علتی را ذکر کرده و آن علت را در مقیاس‌هایی که با سه تبیین موردنظر متناسب است، درجه‌بندی نمایند. ۶ مورد از این رویدادها خوشایند و ۶ مورد دیگر ناخوشایند بودند. هریک از این رویدادها شامل ۴ سوال و سوال‌های مطرح‌شده برای کلیه رویدادها یکسان بود. به اولین سوال هر رویداد نمره‌ای تعلق نمی‌گرفت اما به ۳ سوال دیگر هر رویداد (مثلاً، رویداد درونی است یا بیرونی، پایدار است یا ناپایدار، کلی است یا اختصاصی) نمره تعلق می‌گرفت. برای هر یک از این ۳ بُعد، ۷ پاسخ در قالب ۷ درجه از ۱ تا ۷، اختصاص داده شد. آزمودنی موظف بود دور یکی از این پاسخ‌ها دایره بکشد. نمرات کل برای حوادث خوب و حوادث بد، با جمع مواد مناسب (حاصل جمع پاسخ‌های آزمودنی‌ها به رویدادهای مثبت به‌طور جداگانه و سپس حاصل جمع رویدادهای منفی به‌طور جداگانه) و تقسیم حاصل جمع رویدادهای مثبت و منفی به‌طور جداگانه بر عدد ۶ به‌دست آمد. در این پژوهش، نقطه برش از میانگین مجموعه نمرات آزمودنی‌ها در هر سوال به‌دست آمده است.

ثبات درونی ASQ توسط مطالعات متعدد بررسی شده است. در یک بررسی روی دانشجویان برای مفید بودن ASQ، آلفای کرونباخ ۰/۷ و روایی و اعتبار مناسب برای ابزار فوق به‌دست آمد. میزان همبستگی ASQ با تست افسردگی بک ۰/۳۸ بود [۱۳]. پترسون و همکاران، آلفای ۰/۷۵ تا ۰/۷۲ را برای این پرسش‌نامه به‌دست آوردند. در ایران نیز با اجرا بر روی دانشجویان، آلفای کرونباخ ۰/۷۵ برای حوادث بد درونی، ۰/۷۴ حوادث خوب درونی، ۰/۴۳ برای حوادث بد پایدار، ۰/۵۶ برای حوادث خوب پایدار، ۰/۷۲ برای حوادث بد کلی و ۰/۷۶ برای حوادث خوب کلی به‌دست آمد. رجیبی و همکاران، با اجرای آزمون فوق بر روی ۳۹۰ دختر و پسر دبیرستانی در اهواز ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف ۰/۷۳، ۰/۶ برای سبک اسناد مثبت، ۰/۶۲، ۰/۶۳ برای اسناد منفی و ۰/۶۷، ۰/۶۶ برای کل رویدادها به‌دست آوردند [۲۰].

یافته‌های توصیفی در استفاده از سبک یادگیری همگرا- واگرا نشان داد که سبک‌های یادگیری جذب‌کننده، انطباق‌یابنده (غیر این دو) همگرا، واگرا در دانشجویان غیرافسرده و سبک‌های یادگیری جذب‌کننده، انطباق‌یابنده (غیر این دو) واگرا، همگرا در دانشجویان افسرده به ترتیب از بیشترین میزان فراوانی برخوردارند. با اینحال، نتایج آزمون مجذور کای نشان داد که از لحاظ استفاده از سبک یادگیری همگرا واگرا بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و بیانگر آن است که دانشجویان افسرده و عادی از لحاظ ترجیح در استفاده از سبک یادگیری همگرا- واگرا با یکدیگر تفاوت ندارند.

جدول ۶) نتایج آزمون من- ویتنی به‌منظور بررسی تفکر همگرا- واگرا و استفاده از سبک تبیین بدبینانه

آزمون	درونی- بیرونی	پایدار- ناپایدار	کلی- اختصاصی
آماره/اسناد	۹۱۸	۸۶۷/۵۰۰	۹۲۹
من- ویتنی	۲۲۴۴	۱۵۷۰/۵۰۰	۱۶۳۲
Z	-۱/۱۶	-۰/۶۴۳	-۰/۱۲۳
سطح معنی‌داری	۰/۸۲۹	۰/۵۲۰	۰/۹۰۲

یافته‌ها همچنین نشان داد که بین داشتن سبک یادگیری همگرا یا واگرا و استفاده از یک سبک اسنادی خاص در موقعیت منفی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در موقعیت منفی، برای بعد درونی- بیرونی، بعد پایدار- ناپایدار و بعد کلی- اختصاصی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و نشان می‌دهد که در موقعیت منفی، دانشجویان با تفکر همگرا در مقایسه با دانشجویان دارای تفکر واگرا، بیشتر از اسنادهای بدبینانه (در هیچ کدام از ۳ بُعد) استفاده نمی‌کنند (جدول ۶).

### بحث

یافته‌های پژوهش نشان داد که افراد افسرده در مقایسه با افراد غیرافسرده در موقعیت‌های مثبت از اسناد درونی و پایدار کمتری استفاده می‌کنند و از لحاظ استفاده از سبک اسنادی کلی- اختصاصی برای موقعیت‌های مثبت، تفاوتی بین این دو گروه وجود ندارد. همچنین در موقعیت‌های منفی، افراد افسرده گرایش بیشتری به استفاده از اسناد درونی نسبت به اسناد کلی و پایدار دارند. *سانجوان*، *پرز*، *ریودا* و همکاران نشان دادند که افراد دارای سبک اسناد بدبینانه (کلی- درونی- پایدار) برای رویدادهای منفی، نمره بالاتری را در عاطفه منفی نسبت به عاطفه مثبت (در مقیاس سنجش عاطفه مثبت و منفی) می‌گیرند که این امر با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد [۲۱]. همچنین سبک اسناد بدبینانه می‌تواند آشفتگی‌های روان‌شناختی خصوصاً افسردگی و کاهش بهزیستی در افراد را پیش‌بینی کند. سبک اسنادی به‌عنوان یک متغیر شناختی بهتر از کمال‌گرایی می‌تواند افسردگی را در بین دانشجویان پیش‌بینی کند و اگر کمال‌گرایی و سبک اسنادی منفی با هم باشند نشانه‌های

جدول ۳) اسناد گروه‌های مورد مطالعه برای رویدادهای مثبت

اسناد	گروه‌ها	فراوانی	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها	آزمون من- ویتنی	سطح معنی‌داری
درونی- بیرونی	عادی	۱۲۵	۹۱/۵۲	۱۱۴۴۰/۵	۲۰۹۵/۵	۰/۰۰۸
	افسرده	۴۵	۶۸/۷۷	۳۰۹۴/۵		
کلی- اختصاصی	عادی	۱۲۵	۸۸/۹۶	۱۱۱۲۰	۲۳۸۰	۰/۱۲۶
	افسرده	۴۵	۷۵/۸۹	۳۴۱۵		
پایدار- ناپایدار	عادی	۱۲۵	۹۲/۷۵	۱۱۵۹۴	۱۹۰۶	۰/۰۰۱
	افسرده	۴۵	۶۵/۳۶	۲۹۴۱		

نتایج آزمون من- ویتنی نشان داد که بین افراد افسرده و عادی در استفاده از اسناد کلی- اختصاصی در موقعیت‌های مثبت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ولی از نظر اسناد درونی- بیرونی و پایدار- ناپایدار تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این یافته حاکی از آن است که دانشجویان افسرده در موقعیت‌های مثبت از اسناد درونی و پایدار کمتری در مقایسه با دانشجویان عادی استفاده می‌کنند (جدول ۳).

جدول ۴) اسناد گروه‌های مورد مطالعه برای رویدادهای منفی

اسناد	گروه‌ها	فراوانی	رتبه میانگین	مجموع رتبه‌ها	آزمون من- ویتنی	سطح معنی‌داری
درونی- بیرونی	عادی	۱۲۵	۸۰/۱۰	۱۰۰۱۲	۲۱۳۷	۰/۰۱۷
	افسرده	۴۵	۱۰۰/۵۱	۴۵۲۳		
کلی- اختصاصی	عادی	۱۲۵	۸۲/۶۵	۱۰۳۱۹/۵	۵/۲۴۴۴	۰/۱۹۳
	افسرده	۴۵	۹۳/۶۸	۴۲۱۵/۵		
پایدار- ناپایدار	عادی	۱۲۵	۸۳/۵۴	۱۰۴۴۲	۲۵۶۷	۰/۳۸۵
	افسرده	۴۵	۹۰/۹۶	۴۰۹۳		

یافته‌ها نشان داد که دانشجویان افسرده در موقعیت‌های منفی از اسناد درونی بیشتری نسبت به دانشجویان عادی استفاده می‌کنند ولی تفاوت معنی‌داری بین آنها از نظر اسناد کلی- اختصاصی و پایدار- ناپایدار وجود ندارد، با این وجود، میزان اسناد کلی و پایدار در دانشجویان افسرده بیشتر است (جدول ۴). سایر شاخص‌های نمونه مورد بررسی در دو گروه عادی و افسرده برای اسناد درونی- بیرونی، کلی- اختصاصی و پایدار- ناپایدار در موقعیت مثبت و منفی در جداول ۳ و ۴ ارایه شده است.

جدول ۵) توزیع فراوانی مطلق و نسبی

انواع شیوه‌های یادگیری در گروه‌های مورد مطالعه

سبک‌های یادگیری ← گروه‌ها ↓	همگرا	واگرا	غیر این دو	جمع
	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)
غیرافسرده	۴۲ (۲۴/۷)	۲۴ (۱۴/۱۲)	۵۹ (۳۴/۷۰)	۱۲۵ (۷۳/۵۲)
افسرده	۹ (۵/۲۹)	۱۳ (۷/۶۴)	۲۳ (۱۳/۵۳)	۴۵ (۲۶/۴)
جمع	۵۱ (۳۰)	۳۷ (۲۱/۷۶)	۸۲ (۴۸/۲۳)	۱۷۰ (۱۰۰)

X=۳/۴۹۸ p=۰/۰۶۱ N=۸۸

این ارتباط نشان دادند که درماندگی آموخته شده می‌تواند باعث تولید، پردازش و یادگیری رویدادهای منفی در زندگی شود [۲۳]. دیدگاه‌های جدید شناختی در اثر خلق بر نوع تفکر معتقدند که هنگام افسردگی، افراد به سمت مدل‌های ذهنی گرایش پیدا می‌کنند که در پردازش اطلاعات ناکارآمدند و این امر سبب یادگیری مفاهیم و سازه‌هایی می‌شود که تنها با خلق افسرده ارتباط دارند و یا در نتیجه تجربه‌های قبلی دوباره فعال شده‌اند و در برخورد با اطلاعات جدید به تدریج باعث گرایش فرد به یک سبک شناختی معیوب می‌شوند [۲۸]. به همین دلیل، امروزه به فرآیندهای شناختی که با انعطاف‌پذیری تبیینی همراه است در فهم آسیب‌شناسی روانی اهمیت داده می‌شود [۲۶] و به سبک اسنادی و الگوی یادگیری افراد به‌عنوان دو متغیر شخصیتی با اهمیت توجه می‌شود که می‌توانند نقش مهمی در فهم آسیب‌پذیری شناختی اختلالات هیجانی داشته باشند. امروزه، پژوهش در مورد سبک اسنادی از حوزه افسردگی فراتر رفته و در ارتباط با حوزه‌هایی مانند یادگیری، پیشرفت شغلی، روان‌درمانی، بیماری و حتی مرگ مورد بررسی قرار می‌گیرد و در دوران اولیه تحول، شکل‌گیری آن را ریشه‌یابی می‌کنند. بنابراین خانواده، مدرسه، نهادها و سازمان‌های اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین منابع شکل‌گیری سبک اسنادی و الگوهای عادت یادگیری در افراد، می‌توانند با هدایت، اصلاح، بازآموزی و تشویق افراد در استفاده از سبک اسناد خوش‌بینانه و سبک یادگیری مناسب با موقعیت، افراد را به سلامت‌روانی بالاتر و عملکرد بهتر در یادگیری هدایت کنند.

#### منابع

- هرگنهان بی آر، اکسون میتو اچ. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. سیف علی‌اکبر؛ مترجم. تهران، نشر دوران؛ ۱۳۸۵.
- Duff A, Duffy T. Psychometric properties of Honey & Mumford's Learning Styles Questionnaire (LSQ). *Personality and Individual Differences*. 2002;33(1):147-63.
- Pocey BL. Determining learning style preference of students. *Nurse Educator*. 2000;20(2).
- Delargy CB. The relationship among age, gender and learning style as measured by Kolb's learning style inventory. University of Georgia; 1991.
- DeCapua A, Wintergerst AC. Assessing and validating learning styles instrument. *System*. 2005;33(1):1-16.
- Furnham A, Jackson CJ, Miller T. Personality, learning style and work performance. *Personality & Individual Differences*. 1999;27(6):1113-22.
- Barmeyer CI. Learning styles and their impact on cross-cultural training: An international comparison in France, Germany and Quebec. *International Journal of Intercultural Relations*. 2004;28(6):577-94.
- Robinson JL. Individual learning styles and their relationship to leadership styles: The Claremont Graduate University; 2005.
- Toms WM. Exploring the relationship between Kolb's learning styles and TLP leadership styles in the New Jersey state police: A correlation study: The George Washington University; 2007.
- Kolb AY, Kolb DA. Learning styles and learning spaces: Enhancing experiential learning in higher education. *The Academy of Management Learning & Education*. 2005;4(2):193-212.

افسردگی تقویت می‌شوند [۲۲]. سبک اسناد به‌عنوان الگوی عادت‌ی شخصیت در تبیین رویدادهای محیطی می‌تواند جهت‌دهنده حالت‌های عاطفی و هیجانی در افراد باشد. اگر چه شواهد ضد و نقیضی در مورد این رابطه وجود دارد اما تحقیقات متعدد مشخص کرده‌اند که داشتن سبک اسنادی خوش‌بینانه می‌تواند حداقل یک عامل مهم در درمان بهتر افسردگی و کاهش خطر بازگشت اختلالات روانی باشد [۲۱]. کوپر و داسکل معتقدند که تجربه رویدادهای منفی، ریسک خطر برای افسردگی را افزایش نمی‌دهد بلکه وجود افسردگی از قبل است که می‌تواند افراد را به‌طور خودکار به گرایش به رویدادهای منفی در زندگی (به‌خصوص در حوزه روابط بین‌فردی) سوق دهد. سبک شناختی منفی از طریق پیش‌بینی رخداد رویدادهای منفی در آینده و همچنین از طریق فرآیند عمومی‌سازی استرس‌ها باعث هدایت افراد به سمت ایجاد افسردگی می‌شود [۲۳ و ۲۴].

اگر چه افراد افسرده به‌ترتیب از سبک‌های تفکر جذب‌کننده-انطباق‌دهنده واگرا، همگرا بیشتر استفاده می‌کنند ولی یافته‌ها نشان داد که بین افراد افسرده و عادی در استفاده از سبک‌های یادگیری همگرا-واگرا تفاوتی وجود ندارد. شکری، فراهانی و کرمی [۲۵] در بررسی سبک‌های یادگیری دریافته‌اند که آزمودنی‌های دارای سبک شناختی تحلیلی نسبت به سبک شناختی بینابینی و کلی‌نگر، درماندگی آموخته شده کمتری را تجربه می‌کنند و در آزمودنی‌های دارای سبک شناختی کلی‌نگر، اثر درماندگی نسبت به دو گروه دیگر افزایش نشان می‌دهد. بریدجس، در بررسی‌های خود نشان داد که در ارتباط بین سبک تبیینی منفی و الگوهای یادگیری خاص و عملکرد بهتر در یادگیری، الگوی یکسانی وجود نداشته و سبک اسنادی باعث پیش‌بینی عملکرد در یادگیری نمی‌شود. ول، لان و وستون [۲۶] در یافته‌های متفاوت نشان دادند که حالت‌های هیجانی نظیر افسردگی، عصبانیت، شادی و آرامش با یادگیری و عملکرد بهتر در امتحانات شفاهی و کتبی، در ارتباط هستند و همچنین سه خصیصه مثبت (امید، خودپنداری و سبک اسنادی مناسب) باعث پیش‌بینی در سازگاری عاطفی و یادگیری بهتر یادگیرنده می‌شود. پژوهش حاضر نشان داد که در موقعیت‌های منفی (در هر سه بعد اسنادی بدبینانه) یادگیری همگرا از فراوانی بالاتری برخوردارند و بین استفاده از سبک یادگیری همگرا-واگرا و ترجیح یک سبک اسنادی خاص در موقعیت منفی، رابطه‌ای وجود ندارد. مارل، در این رابطه نشان داد که افراد دارای تفکر واگرا همگرا، در حل مسئله بیشتر از یادگیری حسی-شهودی استفاده می‌کنند.

یافته‌های دیگر مشخص کردند که تعاملی دو سویه بین استفاده از سبک اسنادی به‌عنوان یک رویکرد عادت‌ی در ارزیابی و پردازش رویدادهای زندگی و همچنین داشتن انعطاف‌پذیری تبیینی برای پیدا کردن علت رویدادها وجود دارد [۲۷] و همچنین اصلاح سبک اسنادی باعث اصلاح سبک یادگیری و رجحان‌های افراد در فراگیری در موقعیت‌های جدید می‌شود. سافورد، آگوی و آبرامسون در

- ۲۰- رجبی غلامرضا، شهنی بیلاق منیجه. اثرات جنسیت و رشته تحصیلی بر سبک‌های اسنادی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز و یافته‌های روان‌سنجی مقیاس. مجله اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۳۸۴؛ ۴(۲۲): ۳۲-۱۵.
- 21- Sanjuán P, Pérez A, Rueda B, Ruiz Á. Interactive effects of attributional styles for positive and negative events on psychological distress. *Personality & Individual Differences*. 2008;45(2):187-90.
- 22- Chang E, Sanna LJ. Negative attributional style as a moderator of the link between perfectionism and depressive symptoms: Preliminary evidence for an integrative model. *Journal of Counseling Psychology*. 2001;48(4):490-5.
- 23- Safford SM, Alloy LB, Abramson LY, Crossfield AG. Negative cognitive style as a predictor of negative life events in depression-prone individuals: A test of the stress generation hypothesis. *Journal of Affective Disorders*. 2007;99(1-3):147-54.
- 24- Shook NJ, Fazio RH, Vasey MW. Negativity bias in attitude learning: A possible indicator of vulnerability to emotional disorders? *Journal of Behavior Therapy & Experimental Psychiatry*. 2007;38(2):144-55.
- 25- Shokri O, Farahani MN, Kormi R. Effect of cognitive styles and learned helplessness (cognitive exhaustion model) on solving cognitive problems. *Psychological Research*. 2005;8(1):59-83.
- 26- Thelwell RC, Lane AM, Weston NJV. Mood states, self-set goals, self-efficacy and performance in academic examinations. *Personality & Individual Differences*. 2007;42(3):573-83.
- 27- Moore MT, Fresco DM. The relationship of explanatory flexibility to explanatory style. *Behavior Therapy*. 2007;38(4):325-32.
- ۲۸- دیوید کلارک، کریستوفر فربورن. دانش و روش‌های کاربردی رفتار درمانی شناختی. کاویانی حسین؛ مترجم. تهران: موسسه مطالعات علوم شناختی؛ ۱۳۸۰.
- 11- Kolb DA. Learning style inventory. Boston, MA: Mcber and Company Press; 1988.
- 12- Poropat A. The relationship between attributional style, gender and the five-factor model of personality. *Personality & Individual Differences*. 2002;33(7):1185-201.
- 13- Dykema J, Bergbower K, Doctora JD, Peterson C. An attribution style questionnaire for general use. *Journal of Psychoeducational Assessment*. 1998;14:100-8.
- 14- Bridges KR. Using attributional style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? *Personality & Individual Differences*. 2001;31(5):723-30.
- 15- Alloy LB, Abramson LY, Whitehouse WG, Hogan ME, Panzarella C, Rose DT. Prospective incidence of first onsets and recurrences of depression in individuals at high and low cognitive risk for depression. *Journal of Abnormal Psychology*. 2006 Feb;115(1):145-56.
- 16- Ilgen MA, Hutchison KE. A history of major depressive disorder and the response to stress. *Journal of Affective Disorders*. 2005 Jun;86(2-3):143-50.
- ۱۷- نظری علی‌محمد. بررسی سبک اسناد (نظریه تجدیدنظرشده درماندگی آموخته‌شده) در زنان افسرده و مضطرب و مقایسه آن با زنان عادی [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. تهران: دانشگاه تربیت معلم؛ ۱۳۷۲.
- 18- Kayes DC. Internal validity and reliability of Kolb's learning style inventory version 3. *Journal of Business & Psychology*. 2005;20(2).
- ۱۹- یارمحمدی مسیب. مقایسه سبک‌های شناختی (همگرا، واگرا، جذب‌کننده، انطباق‌یابنده) استادان و دانشجویان مرد و زن رشته‌های علوم انسانی، پزشکی، فنی- مهندسی و هنر [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی؛ ۱۳۷۹.

